

کرده و همه چیز را تا آن جا که ممکن است، به خاطر سپرده و از آن‌ها نگهداری کنم.

۲

شعرهای گردآوری و گزینش شده در این مجموعه، به جز اشعار بخش چهارم، پس از کشتار ۶۷ در زندان‌های گوهردشت و اوین سروده شده‌اند. بیشتر شعرها همان زمان که سروده می‌شدند، در اختیار من قرار می‌گرفتند تا به حافظه بسپارم. شعرها را پنهانی و در دستشویی حفظ می‌کردم. معمولاً این کار به سهولت و سرعت انجام می‌گرفت. پس از حفظ هر شعر، یکی دو بار در همان جا بدون صدا و با شور و هیجان آن را دکلمه می‌کردم تا حس شعر را بگیرم. پس از آن چند بار شعر را از بالا تا پایین به دقت نگاه می‌کردم تا تصویری از آن را نیز در ذهن داشته باشم. سپس دست‌نوشته‌ها را بخاطر رعایت مسائل امنیتی، از بین می‌بردم.

گاهی پیش می‌آمد که بر سر بعضی شعرها، در ارتباط با پاره‌ای مصرع‌ها و واژگان بحثی درگیرد و پیش‌نهادهایی داده و در مواردی پذیرفته شده و تغییراتی در آن‌ها وارد شود. پس از هرگونه ویرایش جدید و تغییری، من نسخه‌ی تصحیح شده را در حافظه جایگزین می‌کردم. شعرهای این مجموعه در واقع همان نسخه‌ای است که از حافظه به کاغذ انتقال داده‌ام.

این شعرها همیشه و به هر مناسبتی، چه در خلوت خودم، چه به درخواست دوستی و چه در مراسم‌های مختلفی که در زندان برگزار می‌کردیم، بارها خوانده و تکرار می‌شدند. و همین تکرار و تعهدی که نسبت به مراقبت و نگهداری از شعرها در خود احساس می‌کردم، بزرگ‌ترین کمکی بود که آن‌ها از حافظه‌ی من زوده نشده و در طول